

تحلیل آرامستان‌های شهر کاشان از منظر کلان و خرد و تاثیر آن در بافت شهر

پدیدآورنده (ها) : عطایی همدانی، محمدرضا؛ اسکندری شهرابی، منا

هنر و معماری :: نشریه معماری شناسی :: بهار ۱۴۰۰ - شماره ۱۸

صفحات : از ۲۲۹ تا ۲۳۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1764356>

دانلود شده توسط : معصومه ازقندی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- ارزیابی و تحلیل کارایی سامانه حمل و نقل BRT و رضایت عمومی از آن در کلان شهر تهران
- تحلیل کیفیت زندگی در دو بافت قدیم و جدید شهر مراغه با بهره گیری از مدل های آنتروپی و الکترون
- کاربرد تجزیه و تحلیل طیف مخلوط نرمال شده (NSMA) جهت استخراج مناطق ساخته شده شهری و استفاده از آن در شبکه عصبی مصنوعی (MLP) برای پیش بینی رشد آتی شهر
- مقایسه ی تطبیقی/ تحلیلی میزان آسیب پذیری بافت های شهری در برابر زلزله با استفاده از مدل های تحلیل سلسله مراتبی و فازی (نمونه موردی: شهر لامرد)
- دیدگاه از منظر زبان شناسی شناختی و کاربرد آن در تحلیل متن داستانی
- بررسی و شناخت عوامل تاثیرگذار در خلق تصویر ذهنی از شهر و راهکارهای استفاده شده معاصر در ارتقاء آن از منظر مدیریت شهری و هنر شهرسازی
- جاهلیت مدرن از منظر مقام معظم رهبری(مد ظله العالی) و شناسایی و تحلیل نقش ناجا در مبارزه با آن
- تحلیل تاثیر طرح های توسعه شهری بر ساختار فضایی خرد و کلان شهرها؛ (مطالعه موردی: طرح محور زینبیه شهر زنجان)
- سنجش و تحلیل فضایی مؤلفه های تاب آوری کالبدی در بافت مرکزی شهر همدان با استفاده از خودهمبستگی فضایی موران
- تحلیل پاسخگویی طیفی بافت های ساخته شده شهری در باندهای انعکاسی و عوامل موثر بر آن، قبل و بعد از زلزله؛ مطالعه موردی: زلزله بم

تحلیل آرامستان های شهر کاشان از منظر کلان و خرد و تاثیر آن در بافت شهر

محمد رضا عطایی همدانی: استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان، ایران

moh.ataeihamedani.art@iauctb.ir

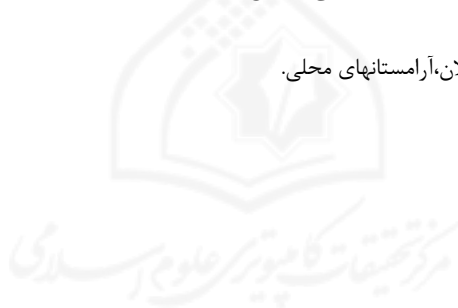
منا اسکندری شهرابی: دانشجوی کارشناسی ارشد معماری

moonaeskandari@gmail.com

چکیده

همچنان که مرگ مرحله‌ای گریزناپذیر از حیات انسان است، آرامستان نیز همواره یکی از فضاهای اصلی و غیرقابل اجتناب هر سکونتگاه انسانی و از آن جمله شهرهای ایرانی بوده است. این حوزه اشتراک نیز پوسته و پوششی ظاهری در این زمینه است که جز در کلام منجر به شکل گیری دانش کاربردی عملی در شهرسازی نشده است. لازمه خروج از این خلا ایجاد شده و رسیدن به یک شهرسازی ایرانی؛ اسلامی پرکردن خلأیی است که خود موضوعات متفاوتی را در بر میگیرد و نیاز به بررسی های همه جانبه دارد. در پژوهش حاضر به تحلیل ساماندهی آرامستانهای شهر کاشان از منظری بومی پرداخته شده است. روش تحقیق، کیفی و روش نمونه گیری به صورت هدفمند است. در مقایسه بین آرامستانهای محلی؛ (آرامستان فیض با رویکرد غیرمتمرکز) و آرامستانهای کلان؛ (دارسلام گلابچی با رویکرد متمرکز)، نتایج نشان میدهد در دارسلام گلابچی خدمات رسانی بهتر است و مسائل بهداشتی و شرعی بیشتر رعایت میشود اما دسترسی به آرامستانهای محلی کاشان از جمله آرامستان فیض؛ آسانتر است همچنین آرامستانهای محلی دارای مقیاس انسانی ترند و باعث ایجاد انسجام اجتماعی بیشتر میشوند. با تقویت آرامستانهای محلی، آزادی افراد برای تعیین مکان تدفین بیشتر است و همچنین به دلیل دسترسی راحت به فضای آرامستان، یاد مرگ را در جامعه و شهر تقویت میکند و غایت فضای آرامستان را که ایجاد تذکر برای زندگان است، تأمین مینماید. وضعیت کنونی حاکم بر شهرهای داعیه دار اسلام نشان از آن دارد که علم و عمل شهرسازی، سمت و سویی متمایز از آموزه های اسلامی داشته و تنها اشتراک اندکی با منابع دین مبین (قرآن، حدیث و کلام) دارد.

واژگان کلیدی: آرامستان، ساماندهی، آرامستانهای کلان، آرامستانهای محلی.

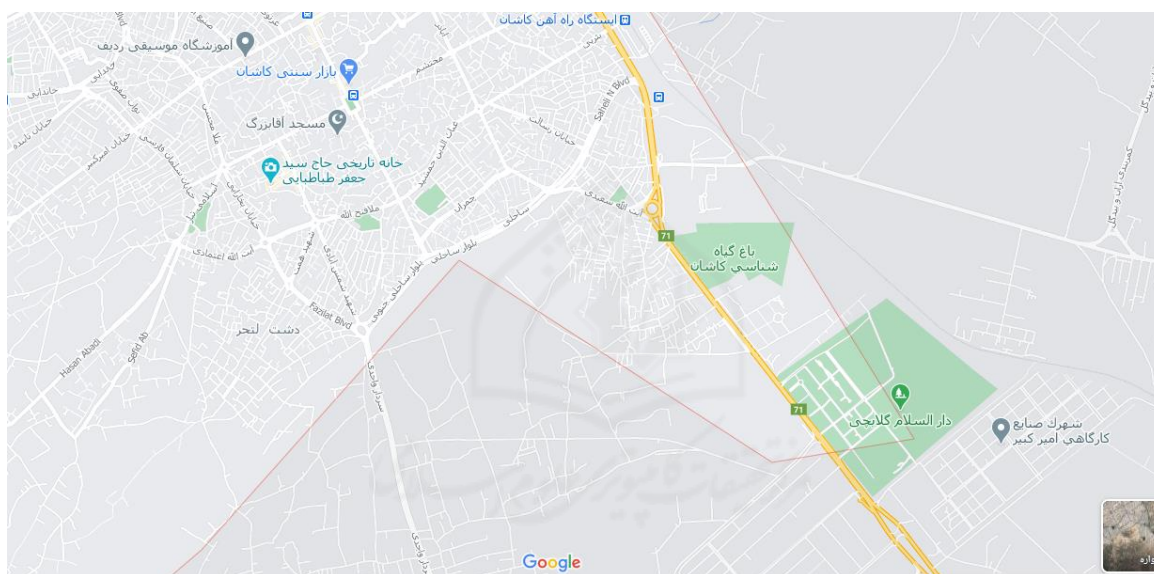


مقدمه

داشتن فضایی برای نگهداری پیکر بیروح انسان در شهرها، موجب شکل‌گیری فضایی به نام آرامستان میشود. جایی که در گذشته مورد احترام بوده و در ساختار اصلی شهر وجود داشته؛ چرا که ارتباط بین دنیای زندگان و مردگان بسیار بیشتر بوده است. امروزه به دلیل ترس از پدیده مرگ و عدم ارتباط بین شهرها و آرامستانها، این فضاها به عنوان فضایی متروک شناخته میشوند.

مسئله پژوهش از اینجا ناشی میشود که ایجاد کلان آرامستانها در خارج شهر کاشان مانند دارسلام گلابچی کاشان، تحت تاثیر طرح های جامع و شهرسازی مدرنیستی در ایران گسترش یافت، در حالی که در خود کشورهای غربی صدها آرامستان در حال استفاده در داخل شهرهای آنان وجود دارد؛ مانند قبرستان پیرالشز، قبرستان میالن، قبرستان کانتربری لندن، قبرستان شهر ادینبرو انگلستان، قبرستان ویکتور هوگو پاریس و... بر اساس طرحهای جامع و شهرسازی مدرنیستی، آرامستان در رده کاربریهای خدمات شهری در کنار کاربریهای چون کشتارگاهها، جمع آوری و دفع زباله، میادین میوه و تره بار، ایستگاههای آتشنشانی، ترمینال مسافربری، پارکینگها و... در نظر گرفته شده است و جزو خدمات مزاحم شهری محسوب میشود، یعنی آرامستان را صرفا مکانی برای دفن مردگان مینندارد؛ اما در شهر ایرانی؛ آرامستان به عنوان یک فضای فرهنگی در شهرها مطرح است و تلفیق آرامستان با زندگی روزانه اجتماع الزامی است. در واقع مسئله اصلی این است که نگرش کلان و تک آرامستانی بودن شهر، ناسازگاریهای فراوانی با نگرشهای بومی و ایرانی دارد.

در پژوهش حاضر تلاش می شود از طریق تحلیل ساماندهی آرامستانهای کلان و خرد کاشان که موقعیت آنها در تصویر شماره ۱ مشاهده میشود، دسترسی شهروندان را افزایش داده که در این صورت میتواند تعلق خاطر را در میان ساکنان محلات افزایش دهد و حتی زمینه را برای جذب کمکهای فکری و مالی مردم فراهم کند. دسترسی آسانتر و از طریق پیاده روی خود میتواند باعث افزایش سلامت جسمی شهروندان شود و همچنین از طریق تذکر سرای ابدی به نزدیکان و حتی رهگذران و عابران پیاده، زمینه ارتقای سلامت اخلاقی، روحی و معنوی شهروندان را فراهم کند.



تصویر شماره ۱ نقشه ارامستان های کاشان (ماخذ: گوگل میپ)

پیشینه تحقیق

در مقاله ای با عنوان «مردم پسندی در یادمانهای شهید، ارزیابی موفقیت اجتماعی طرح‌های بنیاد شهید، به قلم آقایان: بهزاد مسعودی اصل، احمدعلی فرزین و ناصر براتی، به این موضوع با نگاه متفاوت پرداخته اند. در مقاله‌ی دیگری با عنوان « بازخوانی حافظه و هویت در معماری یادمانی ایران»، به نویسندگی الصالحی نیز به این موضوع پرداخته شده و نیز آقایان اصغر منتظرالقائم، و حسین حمیدی اصفهانی، در مقاله‌ای با عنوان « جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی» به این موضوع پرداخته‌اند.

بدیع بودن پژوهش حاضر از آن روست که تفکر حاکم در سیاستگذاران در امور شهری را اصلاح می‌کند و با پیشنهادات خود (یافته‌های تحقیق) از تهدید موجود فرصت‌هایی را ایجاد کرده‌است

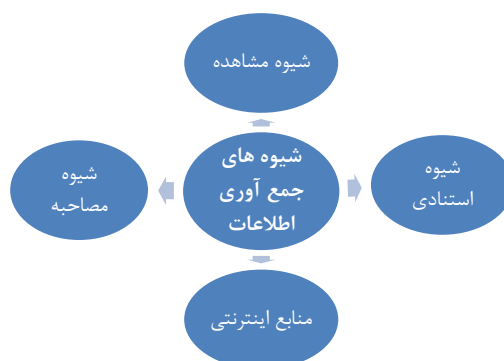
به طور کل اهداف پژوهش عبارت اند از:

۱. شناخت ویژگی های رویکرد متمرکز (تک آرامستانی) و غیرمتمرکز (آرامستانهای محلی) در شهر کاشان

۲. شناسایی رویکرد متناسب با هویت و شهر ایرانی

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش به صورت کیفی است. در این پژوهش از شیوه‌های گوناگونی منابع اطلاعاتی جمع‌آوری شده است؛ شیوه اول منابع اسنادی شامل کتب، مقالات، آمارها، پایان نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی است. شیوه دوم مشاهده آرامستان در جوار بقعه شاهزاده ابراهیم و سایر آرامستانهای محلی. شیوه سوم شامل مصاحبه با نخبگان، کارشناسان سازمان آرامستانها، مدیران سابق سازمان آرامستانها مردم محلی، هیئت امنای آرامستانهای شهر. شیوه چهارم منابع اینترنتی شامل گزارشهای خبری و مصاحبه‌های خبرگزارها است.



نمودار شماره ۱: شیوه های جمع آوری اطلاعات در پژوهش (ماخذ: نگارنده)

روش نمونه گیری به صورت هدفمند است. جامعه آماری پژوهش حاضر کارشناسان، متخصصان و شهروندان مرتبط با موضوع مورد مطالعه است. در این پژوهش ۲۰ نمونه به صورت گروه تمرکز یا گروه کانونی و انفرادی مورد مطالعه قرار گرفتند. روش مصاحبه نیز به صورت نیمه ساختاریافته انجام شده است. سؤالاتی تحقیق نیز عبارتند از:

۱. رویکردهای متمرکز (تک آرامستانی) و غیرمتمرکز (آرامستانهای محلی) در شهر کاشان دارای چه ویژگیهایی هستند؟
۲. کدامیک از رویکردهای متمرکز و غیرمتمرکز به آرامستانها با هویت و شهر ایرانی - اسلامی بیشتر مطابقت دارد؟
۳. چه شیوهایی برای برنامه ریزی و ساماندهی کلان آرامستانهای شهر کاشان مناسب است؟

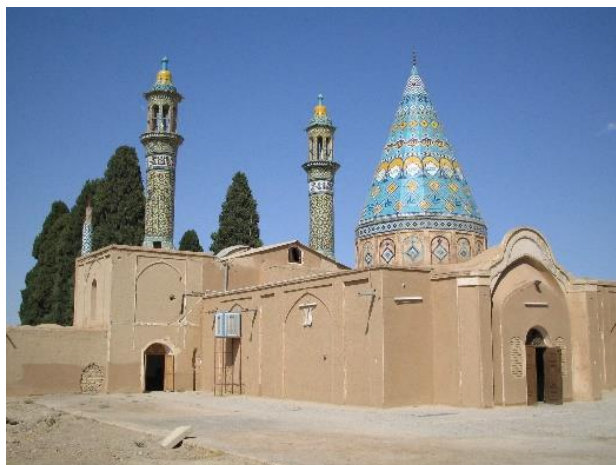
• مبانی نظری

«آرامستان» در تعریف دقیق - عامل اصلی و آغازگر معماری و ایجاد فضایی فرهنگی در شهرهاست. بسیاری معتقدند که معماری با آرامگاه و مقابر آغاز میگردد» (نوروزی فرد، ۱۳۸۵: ۱). ساخت مقابر در معماری دوران اسلامی به عنوان جلوه ای از باورها و آیینهای مربوط به پاسداشت مردگان، توأم با سایر بناهای مذهبی دیگر از جمله مساجد آغاز شد و تقریباً به موازات آن پیش رفت». (۵۸: ۱۳۸۹، حسینی). آرامستانها به عنوان یکی از فضاهای تجهیزاتی شهری نقش مهمی در ساختار شهری دارند و لازم است که به تأثیرات آرامستانها بر ساختار شهری و آینده شهری، همچنین همجواریهای مناسب و نامناسب این فضاها در برنامه ریزی شهری توجه شود. «به دلیل کارکرد و وسعت آنها، آرامستانها مسائل عمومی را مطرح میکنند. اول، محتویات حساس آنها، برخلاف اکثر کاربریهای دیگر زمین، باعث ایجاد زمین دفن ثابت و دائمی شده است. دوم، هنگام گسترش و ساخت، تأسیسات دفن اغلب به عنوان مزاحمت تلقی میشوند. سوم، خاکسپاری هم عوامل بیرونی محیطی مثبت و هم منفی ایجاد می کند. چهارم، تعداد مرگ و میرهای بیشتر در دهه های آینده، اسکان بقایای انسانی را برای جوامع دشوارتر خواهد کرد، به ویژه اگر نیاز به خاکسپاری داشته باشند.

ساماندهی

ساماندهی، فرایندی است برای تنظیم فضا و فعالیت در محدوده یک مکان مشخص، با در نظر گرفتن مجموعه عوامل مؤثر محیطی و محاطی به منظور ارتقای کیفیت و کارایی مجموعه (دفتر پژوهشهای فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۸۴: ۳۵). در حقیقت هدف ساماندهی عبارت است از شناخت و بررسی وضعیت فعلی آرامستانها و تحلیل وضعیت آنها و در ادامه آن برنامه ریزی و ارائه الگویی برای ساماندهی آنها. امروزه با اختصاص فضای مناسب اشغال نشده در لابلای بناها و کاربریهای عمومی داخل شهر به آرامستان - در واقع نوعی وضعیت کاملاً طبیعی - فضای آرامستان به شیوه اولیه خود برمیگردد و سبب زنده بودن دائمی فضای آرامستان میشود، اما از آنجا که ترویج و تحکیم این واقعیت، مستلزم زمان طولانی خواهد بود و به ملزومات فنی و بسترسازی فرهنگی نیاز دارد، طبعاً احداث چنین فضایی باید در افق زمانی بلند مدت در نظر گرفته شود؛ اما احیای آرامستانهای موجود تاریخی میتواند سنگ محک و آغازی برای ترویج این انتخاب باشد (دفتر پژوهشهای فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۸۳: ۲۳). ارائه الگوی ساماندهی بر اساس تعیین، پردازش و ارزشگذاری عوامل مؤثر در کارکرد آرامستان (کارکردی - کالبدی) در زمانهای گذشته و حال و آینده صورت میپذیرد الگوهای ساماندهی آرامستانها در گذشته به طور کلی الگوهای مختلفی برای ساماندهی آرامستانها وجود دارد و در تاریخ کهن آرامستانهای ایران استفاده شده است که به آنها اشاره میشود (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۵)

۱. **الگوی امامزاده ها و بقاع متبرکه:** این نوع معماری یادمانی آیینی و مقدس است که با پیشینه تاریخی قوی، موضوع آرامستان در تشیع پیوند خورده و امروزه به عنوان یکی از الگوهای رایج معماری در آرامستان به کار می رود. زیارت امامزاده ها و بقاع متبرکه و همچنین زیارت اهل قبور سابق طولانی در فرهنگ دینی ایران دارد. ویژگی این الگو، ایجاد بنای نشانه ای و نمادین است که با باورهای دینی و ارزشهای فرهنگی آمیخته و فضایی مقدس و متبرک را بازآفرینی میکند که در عین حال کارکرد زیارت به عنوان یک فعالیت جمعی و اجتماعی را در خود جای میدهد. در نتیجه در طراحی و ساماندهی اینگونه بناهای یادمانی - زیارتی، ایجاد فضاهایی جمعی برای تعامل اجتماعی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰).



تصویر شماره ۲: بقعه شاهزاده ابراهیم کاشان (ماخذ: www.fa.wikipedia.org)

۲. **الگوی آرامگاهی:** گفته میشود بناهای یادمانی ملهم از نخستین مقبرهها هستند (مالصالحی، ۱۳۹۴). ساخت بناهای مقبره‌ای در معماری ایران دارای پیشینه‌ای غنی و طولانی است. استفاده از فرمهای چهارطاقی و یا برج مانند و تکاملی این طرحها به صورت بناهایی شاخص و نمادین، از مهمترین الگوها در طراحی آرامگاهها به شمار میرود. مهمترین ویژگی این الگو که در معماری آرامگاههای مشاهیر و مفاخر دیده میشود، فرم شاخص آنهاست که بازتاب جلال، عظمت و استواری بوده و به عنوان عنصر نشانه در منظر نقش دارد



تصویر شماره ۳: آرامگاه علامه فیض کاشانی (ماخذ: www.emamzadegan.ir)

۳. **الگوی فضای عمومی شهری:** طراحی آرامستان به عنوان یک فضای جمعی چند عملکردی که کارکردهای مختلف را در خود دارد و پاسخگوی نیازهای متنوع شهروندان باشد، رویکردی دیگر در طراحی این فضاهاست. جانمایی این فضاها در ارتباط نزدیک با فضاهای جمعی پررونق، تلفیق با بافت شهری اطراف از طریق حذف لبه‌ها و سرایت معابر به درون مجموعه و وسعت فضا که امکان گردهمایی و حضور گروههای مردم را فراهم میکند و در عین حال فضاهای سیال و چند عملکردی را به وجود می‌آورد، سبب ایجاد فضاهای فعال و زنده شهری شده که مقابر را در ارتباط با زندگی روزمره مردم قرار میدهد. ویژگی اصلی اینگونه از ساماندهی، ارتباط قوی با زندگی جاری در شهر و رونق فضا با ایجاد فضای عمومی شهری است. در واقع مهمترین ویژگی این الگو، پذیرش کارکردهای متنوع و فراهم کردن یک فضای شهری چند عملکردی است که به تبع زمینه ایجاد ارتباط با مخاطب و زندگی روزمره او، شکل‌گیری خاطرات جمعی و تقویت ماندگاری فضا در ابعاد ذهنی را به همراه خواهد داشت.



تصویر شماره ۴: آرامستان دارسلام گلابچی (ماخذ: kashanefarda.ir)

۴. الگوی باغ ایرانی: باغ ایرانی یکی دیگر از الگوهای رایج در طراحی آرامستان است که ابعاد گوناگون هویتی، معنایی، کارکردی و اجتماعی آن در ایجاد یک فضای موفق یادمانی و زیارتی نقش دارد. همنشینی مفهوم باغ ایرانی با تصویر باغ بهشت، در کنار تأکید و تقویت عناصر طبیعی و ارزش این عناصر در فرهنگ و آیینهای ایرانی-اسلامی، فضایی نمادین را به وجود میآورد که در عین برخورداری بودن از هویت آیینی و معنوی، امکان ارتباط با طبیعت در فضایی زیبا، خرم و سرزنده را به وجود میآورد و به عنوان یک فضای فراغتی و تفرجگاهی در شهر ایفای نقش میکند. ایجاد فضایی دنج برای تأمل فردی در کنار وسعت فضای طبیعی که کارکرد گردشگری را با ابعاد کارکردی زیارتی و یادمانی فضا میآمیزد به رونق این فضاها کمک کرده است؛ در حالی که حضور مقابر در این مجموعه ضامن جهتگیری فرهنگی و روحیه حاکم بر فضا است. به لحاظ عملکردی نیز باغ ایرانی با توجه به سنتهای اجتماعی، فضایی مناسب برای گذران اوقات فراغت و تعامل با دیگران بوده است. تفرج در دامن طبیعت و زیر سایه درختان منظر مثالی برای شاعران ایرانی بوده که با سنت زیارت اهل قبور و گردشگری آیینی پیوند خورده است. همچنین الگوی باغ، با ایجاد فضاهای باز وسیع برای برگزاری مراسم جمعی انطباق مناسبی با عملکردهای مرتبط با آرامستان دارد (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳).



تصویر شماره ۵: باغ آرامستان شاهزاده هادی فین (مأخذ: <http://www.fin-kashan.ir>)

• یافته ها و تحلیل آرامستانهای کاشان

در میان کاربری های شهری، امروزه آرامستان جایگاهی کاملاً مجزا یافته، در حالی که در گذشته و بر اساس شهرسازی ایرانی و اسلامی تفاوت عمده ای با سایر کاربری های شهری نداشته است. به طور کلی بر اساس وضعیت موجود شهر کاشان، دو رویکرد اصلی به آرامستانها وجود دارد: یکی رویکرد متمرکز و دیگری غیرمتمرکز. در رویکرد متمرکز معمولاً شهر دارای یک کلان آرامستان بوده و آرامستانهای محلی و خرد یا اجازه تدفین ندارند و به انزوا کشیده شده اند یا به صورت محدود این امر صورت میگیرد. در رویکرد دوم، یعنی رویکرد غیرمتمرکز، آرامستانهای محلی به عنوان بخشی از فضای شهر ایفای نقش میکنند و مکانهای پرجنب و جوشی هستند.

در این پژوهش به بررسی دو نمونه متفاوت از آرامستان های کاشان میپردازیم

۱. آرامستان گلابچی به عنوان کلان آرامستان

۲. آرامستان علامه فیض به عنوان مقبره آرامستان

نتایج پژوهش نشان میدهد دیدگاه های غیرکارشناسی متعددی، به ویژه در دانشگاهها در مورد آرامستانها و به خصوص آرامستانهای داخل شهرها وجود دارد و نیاز به بازنگری دارد؛ ازجمله اینکه آرامستانها باعث آلودگی هوا یا آلودگی آبهای زیرزمینی و سطحی میشود. در حالی که هنوز گزارشی دال بر آلودگی هوای آرامستان دارسلام گلابچی ناشی از دفن مردگان با سالانه حدود ۳۰۰ تا ۷۰۰ دفن مشاهده نشده است، این در حالی است که بالطبع آرامستانهای محلی دارای مقیاس بسیار محدودتری هستند. بنابراین بادهای غالبی هم که تصور میشود آلودگی را به سمت شهر کاشان میآورد، اساساً بی پایه و اساس است. حتی بر اساس برخی بررسی های به عمل آمده طی طرح های مکانیابی و ساماندهی آرامستانهای بزرگ تهران، هیچگونه شواهد مستندی مبنی بر صحت آلودگی هوای آرامستان بهشت زهرا (س) تهران به عنوان یک کلان آرامستان به معنای واقعی یافت نشده است. همچنین درباره گازهای خروجی البسه سوزها نیز، وجود عوامل میکروبی بیماریزا اثبات نشده است (فرهادپور، ۱۳۸۸).

بنابراین آرامستانهای محلی نه تنها هیچ خطری برای محیط زیست ندارد، بلکه به مرور و با تقویت فضای سبز آن میتواند در بهبود وضعیت زیست محیطی شهر نیز موثر باشد.

یکی از مسائل زیست محیطی دارسلام گلابچی، مسافت طولانی و به ناچار استفاده زیاد از خودرو است. شاید با ذکر یک مثال بتوان تأثیری که دارسلام گلابچی به عنوان یک کلان آرامستان بر آلودگی زیست محیطی به دنبال دارد را بهتر تصور نمود. اگر در یکی از روزهای پرتردد مثلاً تعداد ۲۰۰۰ خودرو به این مکان مراجعه کنند و هر خودرو حدود ۵ لیتر بنزین مصرف کند، یعنی در یک روز حدود ۱۰۰۰۰ لیتر بنزین مصرف میشود که حجم زیادی از آلودگی را وارد هوا میکند و انواع بیماری را به دنبال دارد. البته آمارها حاکی از این است که در برخی روزها افراد بیشتری وارد می شوند و با توجه به اینکه شهر کاشان از آلوده ترین شهرهای کشور است، یکی از دلایل این آلودگی، استفاده زیاد از خودرو است و دارسلام گلابچی یکی از کانونهای مراجعه از طریق خودرو توسط شمار زیادی از شهروندان کاشانی است. البته مسافت طولانی دارسلام گلابچی علاوه بر استفاده زیاد از خودرو و آلودگی هوا، تبعات فراوان دیگری نیز دارد؛ مانند اتلاف وقت، هزینه و سرمایه دولتی و خصوصی که پرداختن به آنها بحثی طولانی است. متأسفانه آرامستان فیض نیز با توجه به محل قرارگیری و معبر ورودی اصلی در روزهایی از هفته باعث ایجاد ترافیک سنگین در محل میشود.

یک تحلیل عرفی دیگر وجود دارد که فضای آرامستان و یاد مرگ، غم آور است و شادی را از انسان میگیرد. آیا ذکر این سفر و آماده شدن برای آن موجب افسردگی انسان است یا خود را در بیخبری فروبردن و شادی و نشاط داشتن، شادی و نشاطی که عمیق نیست. اگر کسی به حق به یاد مرگ باشد، نه تنها لذت او از زندگی کم نمیشود، بلکه در مقابل فهم مرگ و یاد مرگ، حقیقتاً زندگی خوش و بانشاطی خواهد داشت. نشاط و شادی که از غفلت حاصل شود، پایدار و عمیق نیست. برعکس، حقیقتاً شادی از آن مؤمنان است. آنها که دائم به یاد معاد، مرگ و عاقبت حیات خویشاند. بنابراین، جا دارد به یاد مرگ بودن را معنویت‌زا و شادی‌آور بدانیم. البته امروزه در بسیاری نقاط جهان و حتی ایران آرامستان را به فضایی تفریحی تبدیل میکنند؛ اما به نظر میرسد ایجاد باغ مزار میتواند جایگزینی برای آرامستانهای تفرجگاهی باشد چون فضای آرامستان نباید به گونه‌ای باشد که انسان را از تفکر و غایت اندیشی برهاند. همچنین برخی آرامستانهای محلی را منطقه‌های جرم خیز میدانند، در حالی که در صورت وجود هیئت امنا، به طور جدی به امنیت آرامستان ها حساس هستند و به صورت خودجوش و مردمی اجازه وقوع جرم و ناامنی را نمیدهند و مقیاس خرد آن آرامستانهای محلی است به سادگی قابل کنترل است.

هرچه آرامستان ناآشنا تر باشد، غیر قابل کنترل تر میشود و در این فضای آکنده از بیگانگی، هرکسی میتواند هر کاری انجام دهد و بگذرد. باید به این نکته توجه داشت که از نظر امنیتی رها کردن آرامستانهای داخل شهر وضعیت آنها را بدتر میکند. تصور دیگر این است که کاربری آرامستانهای محلی، اثرات منفی بر کاربری‌های مجاور و قیمت اراضی همجوار دارد و باید به حال خود رها شوند؛ در حالی که قطعاً نادیده انگاشتن آرامستان وضعیت آنها را بدتر میکند. ساماندهی آرامستانهای محلی اثرات مثبتی بر قیمت اراضی و کاربری‌های همجوار دارد؛ به نسبت زمانی که به حال خود رها شوند. یکی از مباحث اصلی پژوهش، بررسی آرامستان کلان دارسلام گلابچی به عنوان آرامستان اصلی شهر و نمونه عینی رویکرد متمرکز و بررسی آرامستانهای محلی شهر کاشان به عنوان نمونه هایی از رویکرد غیرمتمرکز در بحث برنامه ریزی و ساماندهی آرامستان از منظر بومی و ایرانی - اسلامی است. یکی از مسائل دارسلام گلابچی از دیدگاه شهرسازی مقیاس فوق انسانی آن است، یعنی انسان در مقابل وسعت آن احساس حقارت میکند. در فضاهای وسیع و یکنواخت که محصوریت آن توسط انسان مشاهده نشود، ارتباط انسان با پیرامون از دست میرود و حتی ممکن است احساس ترس از فضا به انسان دست دهد؛ اما در آرامستانهای محلی مثل آرامستان فیض به دلیل محصوریت و فضای نه چندان وسیع و بیکران، حس امنیت و آسایش در انسان بسیار بیشتر است و فضای آرامستان با زندگی انسانها پیوند خورده است. در واقع توجه و ساماندهی آرامستانهای محلی میتواند باعث تقویت مقیاس انسانی در شهر کاشان شود.

از نقاط قوت اصلی دارسلام گلابچی خدمات رسانی مناسب در امور مختلف تغسیل، تکفین، تدفین، برگزاری مراسم و سایر امور است؛ اتفاقی که در آرامستانهای محلی نمی افتد و همچنین به دلیل اینکه کلیه امور مربوط به مراسم خاکسپاری در ساختمان اداری دارسلام گلابچی انجام میشود برای خانواده‌گان داغ‌دیده طی مسیر طولانی و بعضاً پر ترافیک بسیار سخت میباشد در حالی که در دارسلام گلابچی مراسم با آرامش و آسایش بهتری انجام میشود آرامستانهای داخل شهرها با توجه به ویژگی مانایی خود میتوانند در قالب فضاهای باز شهری مطرح شوند که این امر باعث کنترل توده و فضا در شهرها میشود. در واقع به آرامستانهای محلی کاشان مثل آرامستان فیض باید به عنوان تنوعی در فضاهای شهری به دلیل انحصار نوع فعالیت در آن و فرم خاص آن نگاه کرد. این زمانی با ارزش تر تلقی میشود که توجه داشته باشیم، بسیاری از آرامستانهای محلی کاشان در داخل بافت‌های متراکم شهر واقع شده اند. در مورد وضعیت تمرکز در دارسلام باید گفت بسیاری از مسائل اصلی این آرامستان ناشی از تمرکز زیاد است؛ از جمله باعث مشکلات ترافیکی، ضعف دسترسی اشاره کرد. افراد زیادی که در اواخر هفته یا ایام خاصی از سال به دارسلام گلابچی مراجعه میکنند، باعث ایجاد ترافیک و سختی آمد و شد میشوند. رویکرد متمرکز به آرامستان دسترسی به آن را با محدودیت و سختی مواجه میکند و اثرات روانی و خستگی و سلب آرامش به دنبال دارد و حضور قلب را از انسان میگیرد. باید توجه داشت بر اساس معارف اسلامی، آرامش و حضور قلب برای تفکر در آرامستان ضروری است؛ اما در آرامستان فیض و امثال آن به دلیل دسترسی راحت باعث صرفه جویی در هزینه و زمان و مصرف بنزین میشود و حتی باعث ترویج پیاده روی در مقابل استفاده ازتومبیل شخصی میشود.

از نقاط قوت آرامستان دارسلام گلابچی رعایت مسائل بهداشتی و شرعی در مراحل مختلف تغسیل، تکفین و تدفین و سایر امور مربوط به آرامستان است که این مورد در آرامستانهای محلی آنچنان که باید و شاید رعایت نمیشود. همچنین از مشکلات دیگر آرامستانهای محلی، دراماتیک بودن بسیار زیاد آیین های مرگ در حال حاضر است که سر و صدای ناشی از شیون و مراسم ها منجر به ناراضیتهای اهالی محل میشود از دیگر حسن‌های رویکرد غیرمتمرکز، رونق گردشگری است. برخی آرامستانهای تاریخی کاشان، به عنوان بخشی از هویت تاریخی و ملی جامعه، یکی از عناصری است که میتواند در فهرست جاذبه های گردشگری در یک مقصد گردشگری ایفای نقش نماید. طبیعی است آرامستان دارسلام گلابچی که فقط جنبه خدماتی داشته و در فاصله دور از شهر واقع شده و دارای هویت تاریخی و ایرانی - اسلامی نیست، نمیتواند پذیرای گردشگران باشد.

در بررسی اجتماعی آرامستانها باید گفت احساس بیگانگی و ناشناس بودن در آرامستان دارسلام گلابچی باعث تضعیف هویت جمعی و انسجام اجتماعی میشود و فردگرایی را تقویت میکند. ممکن است مردمان زیادی در مکانی واحد و در زمانی مشخص گرد هم آیند، ولی ارتباط معنادار جمعی باهم ندارند. اما در آرامستانهای محلی کاشان مثل آرامستان فیض، افراد پیوند عاطفی بیشتری با هم دارند و احساس هویت جمعی بیشتر است؛ در نتیجه باعث حفظ همبستگی اجتماعی و تقویت جمع گرایی میشود. از نظر رعایت حقوق شهروندی هم امکان گزینش مکان تدفین با وجود آرامستانهای محلی بیشتر است. شاید بتوان گفت از منظر اسلامی، مهمترین برتری رویکرد غیرمتمرکز، مربوط به دلایل فرهنگی است چون به دلیل دسترسی راحت به فضای آرامستان یاد مرگ را در جامعه و شهر تقویت میکند. باید به این نکته در برنامه ریزی آرامستانها توجه داشت که براساس معارف اسلامی، آرامستان فضای تنبه و یادآوری مرگ است که مزایای فراوانی را برای شهروندان به دنبال دارد؛ از جمله: غفلت زدایی، بی رغبتی به دنیا و ترویج زهد. از این منظر در این پژوهش غایت اصلی فضای آرامستان را ایجاد تذکر برای زندگان میداند .

البته تأثیرات آرامستانهای محلی کاشان در بعد فرهنگی متعدد است؛ از جمله اینکه امامزادگان دارای آرامستانهای محلی به عنوان یک مرکز پر جنب و جوش و فعال به ویژه از نظر فرهنگی هستند؛ مانند برگزاری مراسم عزاداری، تعزیه خوانی، جمع آوری کمک‌های مردمی، برنامه‌های آموزشی و اعتقادی و امثالهم. با این توضیح به نظر میرسد تقویت آرامستان‌های محلی در جهت سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی است؛ زیرا در چشم‌انداز این سند که مبنای تنظیم سیاستهای کلی چهار برنامه پنج ساله کشور است و افق جهت گیری کلی فعالیتهای کشور را در ابعاد مختلف طی ۲۰ سال مشخص میکند، آمده است: «در چشم‌انداز ۲۰ ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده در روابط بین الملل». همچنین از ویژگیهای این چشم‌انداز « متناسب بودن با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی» ذکر شده است. در واقع در چشم‌انداز ۲۰ ساله بر تقویت ویژگی های اسلامی و فرهنگی تأکید ویژه میشود و با توجه به تأثیرات متعدد

معنوی، اخلاقی و فرهنگی که ساماندهی آرامستانهای محلی اصفهان به دنبال دارد، در راستای سند چشم انداز ۲۰ ساله قرار میگیرد. البته در چشم انداز سازمان آرامستانهای استان اصفهان نیز آمده است: «آرامستانهای اسلامی با هویت دینی، که زمینه ساز ترحیم روح اموات، تسلی خاطر و امید به زندگی بازماندگان و احیاء قلوب زائرین از طریق یاد مرگ و معاد در جهت تحقق شهر اسلامی میباشد» و از اهداف کلان سازمان آرامستانهای شهرداری اصفهان، تقویت و حفظ هویت آرامستان های شهر است که بر این اساس ما را به سمت توجه ویژه به سمت آرامستانهای محلی سوق میدهد (سند راهبردی سازمان آرامستانهای شهرداری اصفهان، ۱۳۹۵).

جدول ۱- مقایسه کلی ۲ آرامستان گلابچی و فیض (ماخذ: نگارنده)

نام آرامستان	رویکرد	نوع	خدمات رسانی	ترافیک معابر	امنیت	جاذبه توریستی	تأثیر بر بافت مجاور
آرامستان گلابچی	متمرکز	فضای عمومی شهری	عالی	کم	کم	کم	کم
آرامگاه فیض	غیر متمرکز	آرامگاهی	متوسط	زیاد	زیاد	زیاد	زیاد

• نتیجه گیری

به طور کل هر دو دسته آرامستانهای محلی (آرامگاه فیض) و کلان (دارسلام گلابچی) دارای نقاط ضعف و قوتی هستند و نباید هیچکدام را نادیده گرفت و به نظر میرسد در نگرش صحیح باید هر دو را حفظ کرد و میتوان سلسله مراتبی از آرامستانهای محلی، منطقه ای و فرا منطقه ای یا شهری داشت و در سطوح مختلف این سلسله مراتب، آرامستان سطح منطقه ای ضعیف است که پیوند دهنده آرامستان کلان و آرامستانهای محلی است و باید برای تقویت این سطح، آرامستانهای جدیدی را احداث کرد. در سطح خرد حتما آرامستانهای محلی تقویت و ساماندهی شوند؛ زیرا ساماندهی آنها به دلیل قرار گرفتن در ساخت فعلی شهر و نیز پایین بودن مقاومت اجتماعی به دلیل سابقه تاریخی تدفین، میتواند با اقبال عمومی همراه باشد و اگر آرامستان های محلی به دلایل مختلف از جهت کوچک بودن مساحت و... قابلیت از سرگیری فعالیت تدفین را ندارد، اما به دلایل هویتی و اسلامی مبیایست به عنوان نمادهای یادمانی و هویت بخشی شهر بازیابی و احیا شود و میتواند تذکر و یادآوری را برای شهروندان در پی داشته باشد.

بنابراین به طور کل راهبرد کلان سازمان آرامستانهای شهر کاشان که در راستای شیوه اسلامی و هویتی است، میتواند این باشد: (حفظ آرامستان کلان، ایجاد آرامستانهای منطقه ای و تقویت و ساماندهی آرامستانهای محلی). در نهایت پیشنهادات راهبردی که میتوان ارائه کرد بدین شرح است:

۱. ایجاد سلسله مراتبی از آرامستان در سه سطح خرد (محلی)، میانی (منطقهای) و شهری (کلان) در مقابل تک و کلان آرامستانی شدن یا دو سطحی بودن آرامستانها (محلی و شهری) که باید با سه رویکرد حفظ دارسلام گلابچی، ایجاد آرامستانهای منطقه ای و ساماندهی و تقویت آرامستانهای محلی انجام شود.

۲. تبدیل آرامستانهای محلی به باغ مزار نه پارک مزار یا مکان تفریحی و بازی به دلیل تناسب بیشتر با فرهنگ و تاریخ ایرانی

۳. تعدیل وظایف عملیاتی و اجرایی سازمان آرامستانها و تقویت نقش نظارتی آن، در صورت وجود آرامستانهای متعدد و غیرمتمرکز

۴. ایجاد سلسله مراتبی از خدمات در سطح شهر برای دستیابی همه آرامستانها به آنها

۵. تصویب آیین نامه آرامستانهای محلی برای تعریف شاکله و چارچوب آرامستان محلی

۶. تأسیس پژوهشکده آرامستانهای شهر کاشان

۷. مدیریت یکپارچه آرامستانها (نه مدیریت واحد) در مقابل پدیده چند مدیریتی و تناقضها و موازی کاریها که باعث افزایش کارایی و جلوگیری از هم پوشیها میشود؛ مانند تشکیل جلسات متعدد و مستمر میان سازمان آرامستانها با هیئت امنای آرامستانهای محلی، پزشکی قانونی، نیروی انتظامی و حتی با اداره بهداشت، محیط زیست، اوقاف و میراث فرهنگی

۸. مدیریت محل های شهر و اضافه کردن مقیاس محله ای و شورایاری به شهر کاشان مانند اصفهان به دلایل افزایش همبستگی اجتماعی، تقویت پیاده محوری در مقابل خودرو محوری، مشارکت مردم و بسیج منابع مردمی، گستردگی مسائل و دیدن همه آنها، افزایش پاسخگویی.

منابع

۱. سلطانیفرد، هادی و قاسمی، ایرج (۱۳۹۷). «اثرات دگرگونی ساختار بر ادراک منظر در بافت تاریخی منطقه ۱۲ شهر تهران»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره سی و سوم.
۲. سند راهبردی سازمان آرامستانهای شهرداری اصفهان (۱۳۹۵)، سازمان آرامستانهای شهرداری اصفهان.
۳. عزیزی، محمد مهدی؛ زبردست، اسفندیار و اکبری، رضا (۱۳۹۷)، «واکاوی تبلور عدالت محیطی در اندیشه آرمانشهری اسلامی جهت کاربست در شهرسازی اسلامی؛ مطالعه موردی: محله روستا بنیان سفین کیش»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره سی و چهارم.
۴. فرهادی پور، احمد (۱۳۸۸)، راهبردهای مکانیابی گورستان در شهرهای کشور، اندیشه ایران شهر، شماره ۱۳.
۵. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱)، دانشنامه مزدیسنا، واژهنامه توضیحی آیین زرتشت، نشر مرکز، تهران.
۶. آلسوپ، بروس (۱۳۷۱)، تئوری نوین معماری، ترجمه پرویز فیروزی، کتابسرا، تهران.
۷. دفتر پژوهشهای فرهنگی شهرداری تهران (۱۳۸۳)، طرح مکانیابی گورستانهای آتی کالانشهر تهران، سازمان بهشت زهرا (س) تهران. دفتر پژوهشهای فرهنگی شهرداری تهران (۱۳۸۴)، ساماندهی گورستانهای تاریخی، متبرکه و متروکه تهران، سازمان بهشت زهرا (س) تهران.
۹. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن. جلد ۱، ترجمه احمد آرام، چاپ چهارم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۱۰. سازمان آرامستانهای شهرداری اصفهان (۱۳۹۶)، سازمان آرامستانهای شهرداری اصفهان.
۱۱. کریستین سن، آرتور (۱۳۶۹)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، جلد ششم، دنیای کتاب، تهران.
۱۲. مسعودی اصل، بهزاد؛ فرزین، احمدعلی و براتی، ناصر (۱۳۹۵)، مردمپسندی در یادمانهای شهید، ارزیابی موفقیت اجتماعی طرحهای بنیاد شهید، ویژه نامه منظر، شماره ۳۴.
۱۳. الصالحی، حکمت اهلل (۱۳۹۴) « بازخوانی حافظه و هویت در معماری یادمانی ایران»، مجله علمی پژوهشی باغ نظر
۱۴. منتظرالقائم، اصغر و حمیدی اصفهانی، حسین (۱۳۸۷) « جایگاه آرامستان و نقش آن در شهر اسلامی»، نخستین همایش آرمانشهر اسلامی، اصفهان.
۱۵. وحیدزادگان، فریبا؛ ایرانی بهبهانی، فریبا و طالبیان، محمدحسن (۱۳۹۲) « ارزیابی متغیرهای تاثیرگذار بر زیبایی منظر تاریخی - فرهنگی آرامستانهای اسلامی ایران؛ نمونه موردی: تخته فوالد اصفهان » فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره یازدهم.
۱۶. جلیلی صدر آباد سمانه؛ تأثیر وجود و گسترش آرامستان بر محلههای همجوار آن؛ (مورد پژوهی: آرامستان امامزاده سلطان ابراهیم، شهر قوچان)

۱۷. URL ۱-www.irma.ir/news/۸۱۷۰۰۸۷۶

۱۸. URL ۲-www.farsnews.com/news/۱۳۹۷۰۵۲۲۰۰۰۱۳۷

۱۹. URL ۳-www.isna.ir/news/۹۷۰۵۲۲۱۱۴۷۱

۲۰. URL ۴-www.farsnews.com/news/۱۳۹۴۰۱۰۴۰۰۰۱۸۱